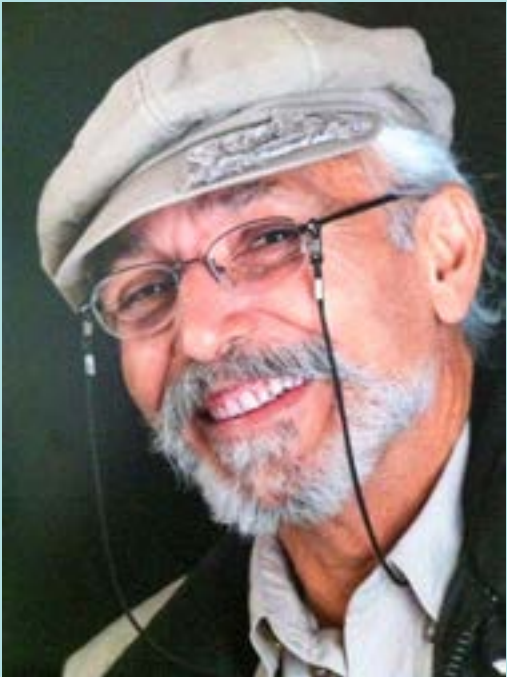


لوکوموتیوران سینمای انقلاب

یادی از امیر قوبدل فیلم نامه نویس و کارگردان فقید مشهدی، به بهانه پانزدهمین سالروز درگذشتش



مدتی بعد دیگر به تنهایی روی چهارپایه کارگردانی نشست. دیگر با چم و خم فیلم سازی آشنا بود. توی سرش پر بود از پلان های بدیع و سوزه هایی که در انتظار خلق شدن بودند. پس برای اولین بار در قامت کارگردان یک اثر سینمایی در پشت صحنه فیلم سینمایی «خونبارش» نشست. اثری برگرفته از مستندات ایام مبارزاتی پیش از انقلاب اسلامی و پیوستن نیروهای ارتش به صفوف مردم انقلابی که می توانست در حد و اندازه های یک مستند کوتاه باقی بماند. اما با چاشنی خرده روایت ها و کارگردانی مناسب قوبدل، به یک سینمایی جذاب و خوش ساخت تبدیل شد. قوبدل اولین گام حرفه ای اش را در عالم فیلم سازی با موفقیت برداشت. بعدتر با «برنج خوین» و فضای مرموز و جنایی اش، ثابت کرد نه فقط یک فیلم ساز انقلابی که شاگرد خلف خاچیکیان است. «میرزا کوچک خان» و «سردار جنگل»، ادای دین او به تاریخ پایداری و مقاومت ایران بود، اما هنوز بهترین فیلم کارنامه اش را نساخته بود.

نمایشی از یک حماسه پرحادثه
صدای روزه باد از زمهریرکوهستان در فضای سینمای می پچد. با صدای سوت لوکوموتیو، قطار روی ریل های یخ زده به راه می افتد و بعد تیم ارکستر مجیدانتظامی آرام آرام در فضای سرکوهستان ادغام می شود. سمفونی انتظامی، همان چند ثانیه نخست فیلم، تکلیف مخاطب را با حال و هوای کار معلوم می کند. گروه کر، با ضرب آهنگی شبیه به یک گروه نظامی، تداعی گرگام های سخت چکمه پوشانی است که لحظه لحظه به متن قصه نزدیک می شوند. پیداست این اثر، نه فقط یک ماجراجویی پرکشش، که نمایشی از یک حماسه پرحادثه است. نام فیلم خیلی زود با فونت درشت روی پیشانی قطار ظاهر می شود: «ترن». همه چیز همین ابتدای کار می ریزد روی دایره. کارگردان چیزی برای پنهان کردن ندارد. روایت به قدری کشش دارد که تمام داستان در همان دقیقه های اول فیلم با دیالوگی از یک سرباز مضطرب تعریف می شود: « قربان! مخبرین گزارش دادند که قطار محموله سوختی متعلق به ارتش که قرار بوده در انبارهای اصفهان تخلیه بشه تغیر مسیر داده احتمالا به سمت یکی از مناطقی که حکومت نظامی هنوز اعلام نشده...» امیر قوبدل از ظرفیت های فیلم نامه اش خبر دارد. او با قصه پردازی های روانه و دکوپاژهای دقیق و تدوین های حساب شده به پیش می رود که حتم دارد مخاطب تا آخرین پلان، چشم از تصویر برنمی دارد. قوبدل دارد فیلم به فیلم حرفه ای تر ظاهر می شود. این دست کارگردانی ها در ژانر حادثه و التهاب، میراث سال ها شاگردی از محضر هیچکاک سینمای ایران، ساموئل خاچیکیان است. بالاخره آن همه دستیاری کنار خاچیکیان و تماشای فیلم نامه از منظر نگاه خلافانه او، از قوبدل یک کارگردان حرفه ای ساخته. اما ترن، نه فقط در چارچوب استاندارد های فیلم سازی یک شاهکار ماندگار در تاریخ سینمای ایران است، بلکه از حیث محتوا راوی مظلومیت آشکار مردم مبارز در هیاهوی انقلاب و ظلم بی انکار حکومت بر جماعتی است که نسبت به استبداد حاکمیت بی طاقت شدند. در کارنامه هر کارگردان موفق، همیشه یک اثر هست که اگر برای تمام سال های فیلم سازی او بنا بود یک کار باقی بماند. همان یکی کفایت می کند. در مجموع آثار قوبدل، «ترن» نه فقط قله موفقیت آثار اوست بلکه در مجموع آثار انقلابی در سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، اثری جریان ساز و مؤثر و ماندگار است. آن چنان که مجید انتظامی نیز با تولید موسیقی متن این اثر، تجربه ساخت یکی از ماندگارترین سمفونی هایش را در همکاری با قوبدل تجربه کرد.



تصاویر کمتر دیده شده از مرحوم امیر قوبدل در پشت صحنه آثارش

شهرآرا گفته بود: «من بهشت رضا^(ع) یا بهشت زهرا^(س) و هر بهشت دیگری را دوست دارم اما کنار فردوسی را به همه این بهشت ها ترجیح می دهم.»

امیر قوبدل در ۱۷ آبان ۱۳۸۸، در سن ۶۲ سالگی به علت بیماری کلیوی درگذشت. او آرزو داشت در توس و در کنار اخوان ثالث و حکیم فردوسی به خاک سپرده شود. او در گفت وگویی با

آرزویی که خاک شد

شخم هفته

کشنده تر از پراید!

- بعضی ها کنش رو دوست دارند**

رئیس جمهوری گفته است تلاش می کنیم روند رشد قیمت ها کند شود. البته من و شما توقع داریم رشد قیمت ها به جای کند شدن، کلا متوقف شود ولی این کندشدن هم بد نیست. این یعنی اگر امروز بعد از دیدن قیمت ها می گوییم: آخ! آخ! آخ! چند وقت دیگر بعد از تلاش های دولت که روند رشد قیمت ها را کند کرده است بایدین قیمت ها فقط خواهیم گفت: آخ! آخ! آحتی ممکن است سیاست های موفق پولی و مالی ادامه پیدا کند و بایدین قیمت ها فقط بگوییم آخ! ولی خوب تا آن روزهای خوب و شیرین فرابرسد فعلا چاره ای جز آخ آخ گفتن نداریم.

- رقابت پراید با سکتة قلبی**

معاون وزارت بهداشت گفت: بیماری های قلبی عامل اول مرگ و میر کشور است. این یعنی تمام کسانی که پراید را مضحکه خاص وعام کردند و این خود رو را به عنوان عامل اصلی مرگ و میر ملت در اذهان مردم جا انداختند باید از صنعت خودروسازی کشورمان پوزش بطلبند. مخصوصا که یک جوری



مهدی محتاجی

حالا درست است که درآمد مان زیاد نیست و فقط پد رمان درآمد ه است، ولی خیلی باید مراقب باشیم. سوء تفا هم پیش نیاید و همواره مواظب حرکات و رفتار های خود مان باشیم. مثلا داریم یک بسته میل می کنیم که ناگهان پیامک می آید شما دیگر مشمول دریافت یارانه نمی باشید. تا وقتی هم اثبات کنیم که کلا یک دانه پسته خورده ایم که آن هم اشتباهی، از داخل مغازه آجیل فروشی توی پلاستیک ۲۵۰ گرمی تخمه کانادایی مان افتاده است چند ماه یارانه مان می سوزد. حواسمان باشد حتی برای ادرس پرسیدن وارد قصای نشوید، چون رویت شدن شما در آنجا هم احتمال خطر حذف یارانه را در پی دارد. کسی را به خاطر خوردن فلفل، از یارانه محروم نمی کنند ولی ممکن است با نوشیدن یک لیوان نوشابه کنارش ممتول تشخیص داده شوید. ضرب المثل آش نخورده و دهن سوخته نیز باید به روزرسانی شود و بگوییم دهک پایین و یارانه سوخته!

بسته خبری امروز مادر باره وضعیت صاحب خانه شدن، عوامل دچار قطع یارانه شدن، عامل اصلی مرگ و میر، اقتصاد پیش بینی پذیر از دیدگاه وزیر و همچنین کنترل تورم خواهد بود.

- از این پیش بینی پذیرتر؟**

آقای همتی، وزیر اقتصاد گفته است که اقتصاد کشور باید پیش بینی پذیر شود. خدمت وزیر عرض کنیم که همین الان هم اقتصاد ما قابل پیش بینی است، مثلا وقتی می گویند که فعلا خود رو نخرید، موج گرانی خودرو فروکش خواهد کرد، یعنی یک سونامی توری دیگر در بازار خودرو در راه است. وقتی می گویند نگران نباشید، یعنی باید بیش از هر زمان دیگری نگران بود. وقتی خبر می آید که قیمت طلا دارد می آید پایین، یعنی اگر قصد فروش طلا دارید دست نگه دارید که به زودی افزایش قابل ملاحظه ای خواهد یافت. از همه مهم تر هم هر وقت گفتند می خواهیم جراحی اقتصادی کنیم، ما بدان حرف د کتر بعد از اتاق عمل بیفتیم که گفت ما تمام تلاشمونو کردیم ولی متاسفانه مریض از دست رفت. خلاصه که اقتصاد ما پیش بینی پذیر است، فقط یک کوچولو دقت لازم دارد.

- یارانه در ایستگاه یارانه؟**

اعلام شد که حذف یارانه پردرآمدها کلید خورد.



آزاده چشمه ساعی

- ابوالفضل کوچه سرشور**

توی حرم امام رضا^(ع)، کنج یکی از حجره های صحن وقتی رخ به رخ گنبد طلاایی می نشینند. همچنان ابوالفضل است. ابوالفضل غلامحسین زاده. بچه محل امام رضا ست. همین نزدیکی ها. توی محله سرشور دنیا آمده و قد کشیده. خاک مشهد هنرمند پرور و ابوالفضل هم مستعد شکفتن است. خودش را در تئاتر پیدا می کند. زیر نور موضعی صحنه. هنوز دقیقا نمی داند از عالم هنر چه می خواهد اما هر چه هست در حوالی ادبیات و نمایش، احوال بهتری دارد. از همان روزهای مدرسه وقتی توی کلاس های خالی دبیرستان هدایت در کنار هم گروهی هایش، با دیالوگ های نمایش «کافه ماناواس» کلبجار می رفت و وقت تمرین تئاتر، حواسش به ساعت نبود. فهمید باید هنر شده. هرچه بیشتر می گذشت، شیرینی لذت اجرا بیشتر زیر زبانش مزه می کرد. تجربه کارگردانی کم کم بیشتر از بازیگری او را مشغول کرده بود و رفته رفته شده بود یکی از بهترین های تئاتر شهر، اما از جایی به بعد او نیز مثل بسیاری از ستاره های دیگر به دنبال آسمان گسترده تری برای درخشیدن بودند. انگار سقف این شهر برای ایده های تمام نشدنی اش کوتاه بود. پس به ناچار از محله سرشور گذشت. چمدانش را برداشت و پیش به سوی هویت تازه اش در عالم هنر. از دوست داشتنی ترین خاک دنیا. دل برداشت و راه افتاد سمت شلوغی های پایتخت در حالی که صدایش می زدند: امیر! امیر! قوبدل. همانی که هنوز برای امام رضا^(ع)، ابوالفضل کوچه سرشور بود.

- لذت تجربه اولین کارگردانی**

صحنه های نمایش تهران وسیع بود. هنوز کلی نمایشنامه بوده که می شد با ایده های او توی سالن های شلوغ شهر جان بگیرد. اما ظرفیتی در تهران وجود داشت که در مشهد پیدا نمی شد. اینجایی شد فیلم سازی کرد. شهرک های فیلم سازی. استودیوها. تجهیزات تصویربرداری و تیم های حرفه ای همگی برایش تازگی داشت. امیر قوبدل بذر مستعدی بوده که در خاک تهران خیلی زود ریشه می کرد و به بار می نشست. اما عجول نبود. شیفته آموختن بود و صبور در گام برداشتن. کارش را از پشت صحنه آثار سینمایی آغاز کرد. گاه و بیگاه فیلم نامه می نوشت. این مابین، ساموئل خاچیکیان پیش از دیگر کارگردانان به او اعتماد داشت. شهرستانی بود و غریب. اما دقیق و با انگیزه. از دستیاری فیلم «مرگ در باران» و «اضطراب» و «کوسه جنوب» شروع کرد و

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد-هد
- مدیر مسئول:
- سید مهتّم موسوی مهر
- سردبیر:
- سید مسجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی:
- ۱-۵۸۸۸۸۸۸۸-۳۷۲
- نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
- روابط عمومی:
- ۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۷۸۸

SHAHRRARANEWS.IR

شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir



شهید

عزت الملوک کاووسی

تاریخ شهادت:۱۳۵۷/۱۲/۲۲

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل تولد: مشهد

محل و نحوه شهادت: تهران

حین امداد رسانی به مجروحان تظاهرات

کتابخوان

بانویی که نماد صبر است

ایشان در دوران کودکی خود آموخت که چگونه با سختی ها و دشواری ها روبه رو شود و در مقابل ستمگران و جباران سر تعظیم فرود نیاورد. حضور همیشگی در کنار ابا عبد... حسین^(ع) نشان از روحیه ایشان برای حضور همیشگی در عرصه های مبارزه با ظلم دارد. این حضور در انتها باعث درهم شکستن هیبت حاکمان اموی شد و به بیانی اعتبار آن ها را درهم کوبید. «در فصل دوم

است: در طول تاریخ همواره زنان تا اوقات حضرت زینب^(س) در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی نقش مؤثری ایفا کرده اند. حضرت زینب^(س) یکی از سرآمدترین و فداکارترین زنانی است که جهان به چشم خود دیده است.



چکامه

زینت قامت دین

ای ز دیدار رخت جان پیمر روشن دیده حق نگر ساقی کوثر روشن در سراپرده عصمت که ملک راه نداشت از جمالت دل صدیقّه اطهر روشن تیرگی نیست در آن سینه که مهر تو در اوست که ز مهر تو شده سینه حیدر روشن غنچه جان شیراز گل روی تو شگفت وز تماشای تو شد خاطر شبر روشن آیت لطف خدایی و به هر دل تابیی گر بُود سنگ، شود چون دل گوهر روشن نه همین روی زمین از رخ تو روشن شد که ز میلاد تو شد آنجم و اختر روشن «زیب اب، نام‌گرفتی و مرا فخر این پس که شد از نام دلارای تو دفتر روشن زینت قامت دین، زیور رخسار شرف مظهر کامله عفت و تقوایی تو گل گلزار نبی، میوه بستان علی خانه فاطمه را شمع دلارایی تو در صف حشر که هنگام شفاعت باشد مادرت فاطمه را همره و همپایی تو در سراپرده عصمت تو از آن زینِ آبی که ز سر تا به قدم قدس و عفاف و ادبی

حمید سبزواری



رضا جنگی

تقدیم به پرستاران که نمادی از مهر و ایثار اند....